۱۹۸ - سرگشته کوه و بيابانی و گمگشته باديه

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۱۹۸ - سرگشته کوه و بيابانی و گمگشته باديه

سرگشته کوه و بيابانی و گمگشته باديه و صحرا بی سر و سامانی و سودائی و شيدائی حضرت رحمن اين چه موهبت است واين چه منقبتی. هر نفسی که در سبيل او سرگردان نه، خاکش بر سر و هر عزيزی که در ره او ذليل نه، مردن از زيستن خوشتر. عاقبت جميع ملوک و مملوک سرگردان شوند و بی سر و سامان گردند و بزيان و خسران افتند ولی ثمر و اثری باقی نماند. امّا ياران الهی نيز در محبّت دلبر آفاق سرگشته و پريشان گردند و خانمان فدای آن روی تابان نمايند امّا نتيجه و ثمر الی الابد باقی و مستمرّ و کوکب درخشنده ايشان مانند مه تابان بر قرون و اعصار بتابد فرق اينجاست. پس ثابت و محقّق شد که تفرقه ايشان مجموعی است و پريشانی ايشان جمعيّت خاطر است سرگشتگی استقامت و استقرار است و گمگشتگی سر و سامان. پس شکر کن خدا را که آواره آن ياری و افتاده آن زلف مشکبار مخمور آن جامی و مقهور در سبيل جانان بلکه سر تا پا دل و وجدانی علی الخصوص که موفّق به تبليغی و مؤيّد بالطاف نعم الرّفيق.

امروز در عالم وجود يرليغ بليغ زبان تبليغ است اين رقّ منشور و فرمان ربّ غفور در دست هر سر مستی باشد عالم امکان را تسخير نمايد و جميع وجود را بظلّ خويش در آورد اينست امر عظيم اينست فوز مبين اينست الطاف ربّ جليل طوبی لمن فاز به فی هذا اليوم العسير.

